

هدیه
HÄDIYAH



بازدید از غار حراء

زیارة غار حراء

فارسی

فارسی



کمیته علمی

ریاست امور دینی در مسجد الحرام و مسجد النبی

زِيَارَةُ غَارِ حِرَاءٍ

بازدید از غار حراء

اللَّجْنَةُ الْعِلْمِيَّةُ

بِرئاسة الشُّؤْنِ الدِّينِيِّ بِالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غار حراء بر قلّه کوه نور در شمال شرقی مکه مکرمه واقع شده است و ارتفاع کوه حدود ۶۳۴ متر است.

وسعت این حراء بسیار کم است و گنجایش بیش از ۳ نفر در حال نشسته را ندارد.

پیامبر گرامی ما محمد صلی الله علیه وسلم پیش از بعثت چند شب متوالی را - به‌ویژه در ماه رمضان - برای تفکر و اندیشه در ملکوت الله در آسمان‌ها و زمین به دور از مردم در آنجا خلوت می‌گزید و خلوت‌گزینی برای ایشان محبوب گشته بود.

مهم‌ترین ویژگی‌های این مکان عبارتند از:

از هیاهو و مزاحمت‌های مردم دور است زیرا این کوه سخت‌گذر و راه آن دشوار و پرشیب است، و غار حدود دو کیلومتر با کعبه فاصله دارد. پیش‌تر، در سمت غربی غار شکافی وجود داشت که از آن کعبه معظمه دیده می‌شد، و همین موضوع انگیزه‌ای برای تأمل و

اندیشه در آن پدید می‌آورد.

در این مکان خلوت هراس‌انگیز و بر فراز قلّه این کوه ناهموار بعثت پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم آغاز گشته و اولین آیات قرآن بر او نازل شد:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝﴾ [العلق: ۱].

یعنی: (بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید).

سپس با حالتی از ترس و دلهره، از شدت آنچه دیده بود، نزد خدیجه رضی الله عنها بازگشت و می‌گفت: «زَمِّلُونِي زَمِّلُونِي»،^(۱) یعنی: «مرا بپوشانید، مرا بپوشانید». خداوند بر او و خاندان و یارانش تا روز قیامت بسیار درود و سلام فرستد.

برادر و خواهر مسلمانم: (که قصد بازدید از غار حراء را داری مطالعه و آگاهی مسلمان از سیره پیامبر صلی الله علیه وسلم،

(۱) به روایت بخاری: کتاب التفسیر، شماره (۴۶۴۲)، و مسلم: کتاب الایمان، باب بدء الوحي إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم، شماره (۱۶۰).

موضوعی است بااهمیت، تا ایشان را در تمام حالات و ابعاد زندگی الگویی برای خود قرار دهیم.

اما آنچه از دین نیست و شریعت پاک آن را نیاورده، بلکه از آن نهی نیز شده است، کارهایی است که برخی از زائران - خدا ما و آنان را هدایت کند - انجام می دهند؛ کارهایی که با هدایت و راهنمایی پیامبر صلی الله علیه وسلم ناسازگار است، مانند کسانی که به سنگ ها دست کشیده، یا به درختان تبرک می جویند، یا کسانی که آن ها را می بوسند یا می لیسند، یا دیگر رفتارهای ناپسند را انجام می دهند.

آیا رسول خدا صلی الله علیه وسلم یا اصحاب گرامی او رضی الله عنهم چنین کارهایی را کرده یا به آن فرمان داده اند؟! هرگز و هزار هرگز، و بزرگ تر از همه این ها از نظر گناه، کسانی اند که از غیر خداوند عزّ و جلّ استغاثه می جویند (یاری و فریادرسی می طلبند). چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفارش خود به ابن عبّاس رضی الله عنهما به او فرمود: «يَا غُلَامُ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، احْفَظِ اللَّهَ

تَجِدُهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ....»،
یعنی: «ای نوجوان! خدا را حفظ کن (حقوق الهی را مراعات کن)
تا او نیز تو را حفظ کند؛ خدا را نگاه دار، او را پیش روی خود
می‌یابی. هرگاه چیزی خواستی، از خدا بخواه، و چون یاری
خواستی، از خدا یاری بجوی...»^(۱)

به‌خاطر همین بر همه ما واجب است که آنها را نصیحت کرده و
بر کارشان اعتراض کنیم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده:
«مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ
يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»، یعنی: «هریک از شما منکری
دید پس باید آن را با دست خود تغییر بدهد پس اگر نتوانست، با
زبانش [آن را تغییر دهد] و اگر نتوانست پس با قلب خویش، (آن را
در دل خویش بد بداند) و این ضعیف‌ترین درجه ایمان است». به

(۱) به روایت ترمذی: أبواب صفة القيامة والرقائق والورع، شماره (۲۵۱۶)، و أحمد:
مسند عثمان بن عفان، شماره (۲۷۶۳).

و این از جمله حقوقی است که مسلمان بر گردن مسلمان دارد و پیروی بنده از فرمان پروردگار بلند مرتبه‌اش در سورۀ عصر است:

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [العصر: ۳].

یعنی: (مگر مؤمنان نیکوکاری که یکدیگر را به حق سفارش نموده‌اند و به شکیبایی توصیه کرده‌اند).

همچنین برخی از مردم در هنگام سفر حج یا عمره یا به انگیزه‌ای دیگر، به قصد غار حراء می‌روند و خود را به سختی می‌اندازند، مشقت‌ها را به جان می‌خرند، راه دشوار را طی می‌کنند و خود را در کاری خسته می‌سازند که گمان می‌کنند آنان را به خدا نزدیک می‌گرداند؛ در حالی که چنین نیست، بلکه این کار تنها رنجی بی‌ثمر

(۱) به روایت مسلم: کتاب الإیمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإیمان، وأن الإیمان یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، شماره (۴۹).

است، که نه باعث قرب به خدا می‌شود و نه طاعتی برای او به شمار می‌آید، بلکه در حقیقت، در چیزی افتاده‌اند که خداوند از آن نهی کرده است.

و برخی از آنان - که خداوند هدایتشان کند - دست به کارهایی می‌زنند که با دعوت به توحیدی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم با آن آمده، در تعارض است، یا برخی بدعت‌های نوپدید را انجام می‌دهند که به کمال ایمان آسیب می‌زند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم پیش از نزول وحی از آسمان، در غار حراء به عبادت خدا می‌پرداخت؛ اما پس از آنکه وحی پی‌درپی نازل شد، دیگر هرگز به آن غار بازنگشت، نه برای دعا، نه برای نماز، و نه برای هیچ کار دیگری.

پیامبر صلی الله علیه وسلم حدود سیزده سال در مکه اقامت داشت، و هرگز از او ثابت نشده که به غار حراء یا دیگر مکان‌هایی که برخی از مردم گمان می‌کنند زیارتشان مستحب و موجب قرب به خداست، رفته باشد.

تنها مکانی در مکه که قصد کردن به سوی آن برای عبادت و نماز و دعا مشروع بوده فقط مسجد الحرام است.

اما مناسک و مکان‌هایی که حاجی به سوی آن‌ها می‌رود: عرفات، منا و مزدلفه، قصد این مکان‌ها تنها در ایام مشخص حج رفتن به آن برای مسلمان مشروع است و این فقط در روزهای معین و بر اساس آنچه خداوند مقرر کرده است، بدون تقدیم و تأخیر جایز است.

تنها مکانی که همیشه می‌توان به سوی آن رفت، مسجدالحرام است و برای زمان رفتن به آن حد و مرزی نیست، چنان‌که در حدیث صحیح آمده است: «يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ لَا تَمْنَعُوا أَحَدًا طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَصَلَّى آيَةَ سَاعَةٍ شَاءَ مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»، یعنی: «ای فرزندان عبد مناف، هیچ کس را از طواف این خانه و نماز، در هر ساعت که بخواهد، چه شب و چه روز، منع نکنید.»^(۱) به روایت اصحاب سنن.

(۱) به روایت ترمذی: أبواب الحج، باب ما جاء في الصلاة بعد العصر، وبعد الصبح لمن يطوف، شماره (۸۶۸)، و نسائی: کتاب المواقیت، باب إباحة الصلاة في الساعات

برادر عزیز مسلمان، اگر مناسک سه گانه عرفات، منا و مزدلفه و همچنین جمرات، که خداوند تعالی از زمان ابراهیم علیه السلام برای مردم مقرر کرده است - و گفته شده حتی از عهد آدم مختص به زمان و حالت معین بوده - پس چگونه درست است که مردم، مکان‌های دیگری را برای عبادت و طلب قربت اختراع کنند و زمان‌های آن را مطلق بدانند تا هر کس در هر زمان بخواهد به آن‌ها مراجعه کند، مانند غار حراء و دیگر جاها؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از هجرت چندین بار به مکه بازگشت، اما هرگز به غار حراء نرفت؛ اگر این کار مشروع و موجب قربت بود، قطعاً به آنجا می‌رفت و او سزاوارترین افراد به قصد غار حراء بود؛ زیرا پیش از نبوت در آنجا به عبادت مشغول بود و در غار حراء خاطرات بزرگی داشت که برای هیچ کس پیش از او و پس از او حاصل نشد.

و روشن است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمره چهارم خود

را با حج وداع به جای آورد و جمع بسیاری از مسلمانان نیز همراه او به حج مشرف شدند؛ جز کسانی که خدا اراده کرد، هیچ کس از همراهی او در حج باز نماند. در تمام این مدت، نه پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه هیچ یک از اصحابش رضی الله عنهم به غار حراء نرفتند، آن را زیارت نکردند و به هیچ یک از نقاط اطراف مکه نیز مراجعه نکردند. عبادت تنها در مسجد الحرام، بین صفا و مروه، در منا، مزدلفه و عرفات انجام می شد. پس از پیامبر نیز خلفای راشدین و سایر پیشگامان، هرگز برای نماز، دعا یا تبرک به غار حراء یا مکان های مشابه نرفتند.

اگر این کار مشروع و مستحب بود و خداوند به خاطر آن پاداش می داد، قطعاً پیامبر صلی الله علیه وسلم عالم ترین و مشتاق ترین مردم به آن بود و مردم را به آن تشویق می فرمود. اما چون هیچ کدام از آنها چنین نکردند، معلوم می شود که این از بدعت های جدید است که شرعاً و دیناً نهی شده است. بنابراین، هر کس پس از آن برخلاف این عمل کند و آن را عبادت، قربت و طاعت بداند، راه آنها را

دنبال نکرده و در دین چیزی را به وجود آورده که خدا اجازه نداده است. خداوند می فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۖ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

یعنی: (بی تردید، در [رفتار و گفتار] رسول الله، سرمشق نیکویی
برایتان است؛ برای هر کس که به الله و روز آخرت امید دارد و الله
را بسیار یاد می کند).



فهرست

بازدید از غار حراء..... ۱



هدية
HÄDIYAH



موسوعة ضيوف الرحمن

مواد منتقاة للحجاج والمعتمرين و الزوار بلغات العالم

